



## نکاتی در بررسی اوضاع خاورمیانه

خاورمیانه بخش جدائی ناپذیر از کل جامعه بشری است. در نتیجه به شدت تحت تأثیر خواست‌ها و سیاست‌های قدرت‌های بزرگ قرار دارد.

امروزه خاورمیانه با درگیری اسرائیل، حماس، ایران و حزب‌الله لبنان، دست به گریبان است. نوار غزه یکی از مناطق استراتژیک و یک طرف درگیری‌های خاورمیانه است:

۱- این منطقه در کنار دریای سرخ نقش استراتژیک مهمی در روند تجارت و حمل و نقل دریایی در جهان ایفا می‌کند. ادامه در صفحه ۵



## جنبش "انقلابی" ژینا یا جنبش دمکراتیک؟ کدام!

ادامه در صفحه ۲

اطلاعیه شماره ۷

## انفجار در معدن زغال سنگ طبس



در شب ۳۱ شهریور ۱۴۰۳ بلوک "بی" و "سی" معدن زغال سنگ طبس به علت انباشت بالای گاز متان منفجر گردید و از ۶۹ کارگر معدن که مشغول به کار بودند ۵۲ تن جان سپردند و ۱۷ تن زخمی گردیدند. ادامه در صفحه ۱۱

## از مبارزات سراسری پرستاران کشور پشتیبانی کنیم

پرستاران به عنوان بخشی از طبقه کارگر ایران، از همان آغاز حاکمیت رژیم فاشیستی جمهوری اسلامی تحت پیگرد، سرکوب، شکنجه و ارباب بوده و لحظه‌ای از مبارزه باز نایستاده‌اند. شغل پرستاری یکی از حساس‌ترین و حیاتی‌ترین مشاغل کشور است. سلامت و زندگی همه مردم ایران در گروی سلامت و زندگی سالم پرستاران است. ادامه در صفحه ۷

## سلاح زنگ زده تروتسکیستی ۳

نوشته علی رسولی  
در نوشته‌های دیگر می‌خوانیم: «ما باید با تمام وسایل از قیام دهقانان و حتی از ضبط اراضی پشتیبانی نمایم. ولی این به هیچ وجه بمعنای پشتیبانی از هر گونه طرح‌های خیالی خرده بورژوا مآبانه نیست. مادامی که جنبش دهقانان جنبه دموکراتیک و انقلابی دارد، ما از آن پشتیبانی می‌کنیم. ولی وقتی که این ادامه در صفحه ۱۲

## شریفه محمدی در همدردی با خانواده جان باختگان معدن طبس

«پاییز دیگری از راه رسید و من همچنان در بند هستم.



مهر فرا رسید اما با بی مهری‌هایش! رفیق نازنینم! همراه

همیشگیم در روزهای سخت! اول مهر کنارت نیستم تا تولدت را تبریک بگویم؛ دوم مهر کنارت نیستم تا سالروز ازدواجمان را جشن بگیریم. ادامه در صفحه ۹

## اگر تنها یک‌بار می‌توانیم زندگی کنیم

«اگر تنها یک‌بار می‌توانیم زندگی کنیم، بگذار رزمنده‌ی جسوری باشیم، که تمام جان و روان خود را ایثار می‌کند بگذار در کنار انسان‌هایی بایستیم، که به اندیشه‌ها و آرمان‌هایشان عشق می‌ورزیم تمام شعر در صفحه ۱۳



## ریشه‌های گرانی و فقر اخیر در جامعه

معمولاً وقتی از فقر صحبت می‌شود، فقر اقتصادی مورد نظر است. اما در واقع فقر سه زمینه مهم اجتماعی دارد: فقر اقتصادی، فقر فرهنگی و فقر زیست محیطی که این خود به ادامه در صفحه ۱۰

## جنبش "انقلابی" ژینا یا جنبش دمکراتیک؟ کدام؟

برای ورود به این بحث ضروریست در مورد انقلاب زبان مشترک داشته باشیم. از نظر ما انقلاب یعنی برافکندن نظم موجود و حرکت به سمت ایجاد نظم نوین مترقی. با بیان دیگر انقلاب در ایران یعنی سرنگونی قهر آمیز ساختار سرمایه‌داری که دولت‌اش اکنون رژیم جمهوری اسلامی است و مبارزه برای برپائی ساختار سوسیالیسم و دولت آن دیکتاتوری پرولتاریا. به همین دلیل کمونیست‌های ایران از هر سرنگونی‌ای پشتیبانی نمی‌کنند. آن‌ها فقط از سرنگونی انقلابی پشتیبانی می‌کنند. کمونیست‌های ایران با تلاش وقفه ناپذیری سرنگونی انقلابی را تدارک می‌بینند.

در صورتی که رژیم جمهوری اسلامی واقعاً با منافع دولت‌های بزرگ امپریالیستی در تضاد و تقابل قرار گیرد و نتواند خواست‌های آن‌ها را جامه عمل بپوشاند، آن هنگام بخش‌های دیگر بورژوازی ایران و دولت‌های بزرگ امپریالیستی خواهان سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و برقراری یک دولت "دمکراتیک" که در همان روز تشکیل علیه طبقه کارگر فاشیسم اعمال کند، می‌شوند. این سرنگونی نظم حاکم را از بیخ و بن ویران نمی‌کند، بلکه مهره‌ای را جای مهره دیگر می‌نشانند. همان گونه که سرنگونی رژیم پهلوی یک سرنگونی انقلابی نبود و مهره رژیم جمهوری اسلامی بجای مهره رژیم پهلوی نشاند شد

حال سؤال می‌شود که جنبش انقلابی چه جنبشی است؟ به طور مشخص جنبشی که بعد از قتل مهسا امینی شکل گرفت و پهنای ایران را درنوردید چه جنبشی بود؟ جنبش انقلابی جنبشی است که پرولتاریا و متحدانش، یعنی اکثریت جمعیت ایران خواهان سرنگونی ساختار سرمایه‌داری ایران و رژیم جمهوری اسلامی به عنوان شکل ویژه دولت بورژوازی، و برقراری سوسیالیسم باشند. جنبش انقلابی در ایران

جنبشی است که توده‌های عصیانزده و استعمار شونده آلترناتیو سوسیالیسم (تنها آلترناتیو مترقی و انقلابی) را پذیرفته و برای آن گام به گام متشکل شده و حاضر باشند در راه آن فداکاری کنند.

چنین جنبشی انقلابی است زیرا نظم و ساختار موجود را نفی می‌کند و با تمام نیرو مصمم به برپائی نظم نوین می‌گردد. چنین جنبشی اجتناب ناپذیر تحت رهبری حزب کمونیست راستین ایران می‌تواند شکل بگیرد. متأسفانه این حزب هنوز در ایران موجود نیست.

در نتیجه جنبش ۱۴۰۱ که با نام مهسا امینی گره خورده است، یک جنبش دمکراتیک بود که در سرتاسر ایران شعله کشید و خواستار سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی گردید، بدون در نظر داشت یک آلترناتیو مترقی.

کمونیست‌ها از این جنبش‌های دمکراتیک عمیقاً و با تمام نیرو پشتیبانی می‌کنند، زیرا در این جنبش‌ها می‌توان در پراتیک توده‌های به جان آمده، در پیشروی و عقب نشینی‌هاشان، نارسائی این جنبش را توضیح داد، می‌توان توضیح داد که مردم در ساختار سرمایه‌داری حاکم، به طور واقعی و به تمام و کمال به خواست‌های خود نائل نخواهند شد، اگر امروز می‌توانند رژیم سرمایه‌داری را اندکی به عقب رانند، در شرایط بعد همین اندک را دوباره از دستشان می‌رباید. می‌توان آگاهی توده‌ها را در این جنبش‌های دمکراتیک تا سطح آگاهی سوسیالیستی و خواست برپائی نظام سوسیالیستی بالا برد. در عین حال با مبارزه جهت این درخواست‌های دمکراتیک پیروزی‌های اندکی نیز کسب کرد. یعنی رژیم را وادار به برخی عقب نشینی‌های مقطعی نمود.

دولت‌های سرمایه‌داری به ویژه دولت‌های بزرگ امپریالیستی مثل آمریکا، چین، روسیه، کشورهای اروپائی مثل آلمان و فرانسه و انگلستان، که هنوز خواب هولناک سوسیالیسم در اتحاد جماهیر شوروی و چین را می‌بینند، از هر جنبش رادیکالی با شدت می‌رمند و سعی می‌کنند محتوای رادیکال آن را از درون خالی کنند و طرح‌ها و سیاست‌هایی

را در درون آن جا بیاندازند که برایشان بی ضرر است، ساختار سرمایه‌داری را تهدید نمی‌کند و راه سوسیالیسم را در پیش نمی‌گیرد.

بورژوازی بین‌المللی و بورژوازی در اپوزیسیون ایران دقیقاً در این زمینه تلاش فراوان کردند و توسط خرده بورژوازی چپ شده و در شرایطی ماسک کمونیستی بر چهره زده، برنامه‌های خود را به پیش بردند. شعارهای مافوق طبقاتی را در این جنبش تزییق نمودند و سمت و سوی جنبش را که می‌رفت رادیکال شود و با شعار زنده باد سوسیالیسم قوام یابد، منحرف کردند. آن‌ها شعار "زن، زندگی، آزادی" را آنچنان در جنبش دمیدند که شعار زنده باد سوسیالیسم را به عقب راندند. با شعار جنبش انقلابی ژینا درک توده‌ها از انقلاب را مخدوش نموده و می‌نمایند:

راديو زمانه با انتشار مقاله‌ای از شاپور شهبازی به طور وسیعی "جنبش انقلابی نوین" یا "انقلاب شهریور ژینا" را با شعار ایجابی "زن، زندگی، آزادی"، به زحمتکشان ما حفته می‌کند و برای انقلاب ژینائی سه ویژگی را بیان می‌کند:

■ یکم- تمام این اعتراضات از حد طرح خواست‌های صنفی فراتر رفته و مستقیماً کل نظام سیاسی جمهوری اسلامی را مورد هدف قرار دادند.

■ دوم- پایگاه توده‌ای اعتراضات از تهران و مراکز استان به شهرها و شهرستان‌های کوچک و از طبقات متوسط شهری، فرهیختگان و دانشجویان شهرهای بزرگ به طبقات فرودست و محروم گسترش یافت.

■ سوم- رهبری مطالبات را توده‌ها از پایین به شکل خودجوش سازمان‌دهی و هدایت کردند.

■ اگر این سه ویژگی را خلاصه کنیم از نظر راديو زمانه جنبش انقلابی چنین است: هدف گرفتن نظام سیاسی جمهوری اسلامی، گسترش اعتراضات از شهرهای بزرگ به شهرهای کوچک از طبقات متوسط به طبقات فرودست و هدایت آن به طور خودجوش از پائین. و

شعار "زن، زندگی، آزادی" یک شعار ایجابی است. در عین حال زنان نیروی محرک انقلاب ژینائی بودند.

**یکم:**

رادیو زمانه و رادیو فردا، سایت‌های متمایل و وابسته به سیاست‌های کشورهای سرمایه‌داری هستند و برای ما نسخه انقلاب می‌پیچند.

امروزه همه نیروهای غیر وابسته اپوزیسیون قبول دارند که ساختار اجتماعی در ایران، ساختار سرمایه‌داری است. دولت این ساختار یعنی دولت سرمایه‌داری ایران، رژیم سرمایه‌داری - فاشیستی جمهوری اسلامی است. در نتیجه در کشور سرمایه داری «انقلاب عبارت از آن است که پرولتاریا «دستگاه اداری امور» و تمامی دستگاه دولتی را منهدم می‌سازد و دستگاه نوینی را مرکب از کارگران مسلح جایگزین آن می‌نماید.» (لنین - دولت و انقلاب). مارکس انقلاب را «خرید کردن ماشین دولتی» بیان می‌کند. [دولت سرمایه‌داری در مارکسیسم عبارت است از ماشین بوروکراتیک و نظامی حافظ بورژوازی به عنوان طبقه حاکمه]

آیا در سال ۱۴۰۱ مردم ستم دیده و مترقی ایران علیه رژیم جمهوری اسلامی به پا خاستند (تعویض رژیم) یا علیه کل ساختار و دولت سرمایه‌داری (تغییر انقلابی)؟ مردم علیه رژیم به پا خاستند ولی علیه ساختار سرمایه‌داری سمتگیری نکردند زیرا هنوز به آلترناتیو سوسیالیستی مسلح نبودند. لذا رادیو زمانه می‌کوشد مبارزه علیه رژیم ایران یعنی تعویض یک رژیم سرمایه‌داری با رژیم سرمایه‌داری دیگر را انقلاب جا بزند و انقلاب واقعی را که مبارزه علیه دولت سرمایه‌داریست از اذهان پاک کند. ولی انقلاب مبارزه مسالمت آمیز نیست. زیرا رژیم تا دندان علیه مردم مسلح است و اسلحه به کار می‌برد. لذا انقلاب نیز عملی است قهر آمیز که یک طبقه مترقی، طبقه ارتجاعی را سرنگون می‌سازد و دولت خود را برپا می‌کند. در ایران

۱۴۰۱ قهر کاملاً پراکنده و در نقاط ذره بینی اعمال شد و شکست خورد. قهر در شکل پراکنده آن به آنارشیزم و نهایتاً تسلیم طلبی ختم می‌شود. قهر باید سازمانده شده باشد. در ۱۴۰۱ مردم سازمانده شده نبودند. مبارزات در شهرها و برخی روستاها پراکنده و با شعارهای گوناگون به پیش می‌رفت. رژیم قهر مسلح و سازمان داده شده اعمال می‌کرد و مردم با دست خالی و پراکنده از خود دفاع می‌کردند.

در عین حال برای سازمان دهی مردم به ویژه طبقه کارگر و اعمال قهر علیه دولت

"تداوم نبردی سخت و نابرابر برای تعیین حداقل مزد سال ۱۴۰۱" ولی خواست‌های کارگران در این دوران عموماً در جهت رفهم در نظام سرمایه‌داری بود، خواست‌های معیشتی طبقه خود و دفاع از مبارزات دمکراتیک بخش‌های مترقی مردم بود. اوج جنبش کارگری در ۱۴۰۱ باعث اوج مبارزات دمکراتیک مردم شد و افت ایدئولوژیک سیاسی جنبش کارگری باعث افت عمومی مبارزات دمکراتیک مردم گردید.

در نتیجه ما در آن سال نه با جنبش انقلابی



بلکه با جنبش وسیع مردم در زمینه خواست‌های دمکراتیک رو به رو هستیم. رژیم فاشیستی جمهوری اسلامی حتی این سطح از مبارزات دمکراتیک را نیز خونین سرکوب کرد.

دولت‌های امپریالیستی برای از دست ندادن ابتکار عمل در روز مبادا و فشار بر رژیم ایران جهت برآورده شدن خواست‌های خود، از این جنبش "پشتیبانی" کردند و آن را به هزار رنگ آراستند: جنبش ژینائی، جنبش دمکراتیک مردم، انقلاب ژینائی، جنبش انقلابی ژینا و غیره. خانم بربوک نیز که لت و پار شدن زنان افغانستانی زیر حاکمیت طالبان را به پیشیزی نمی‌گیرد، طرفدار سفت و سخت انقلاب ژینائی شد. آقای بایدن نیز برای انقلاب دمکراتیک مردم پیام‌ها فرستاد. فاشیست‌های چینی نیز از رژیم ایران پشتیبانی کردند.

**دوم:**

جنبش دمکراتیک ۱۴۰۱ نه از طبقات متوسط به پایین بلکه از برگزاری مراسم

سرمایه‌داری باید در پروسه مبارزه، سوسیالیسم به اندیشه غالب نیروهای مترقی در مبارزه تبدیل گردد، باید متحد شوند و قهر آمیز دولت سرمایه‌داری را نابود کنند. این سازمان رهبری کننده در ایران حضور نداشت و ندارد. لذا وقتی سایت‌هایی مثل سایت رادیو زمانه مبارزات مردم را با همه این نقائص و کمبودها و کوته‌نگری، انقلاب می‌نامد، خاک بر چشم طبقه کارگر و نیروهای انقلابی می‌پاشد تا آن‌ها پروسه تکوین انقلاب را نبینند و خود را برای آن آماده نسازند. «نفرت از مبارزه طبقاتی، آرزوی از پیش بردن کارها بدون توسل به این مبارزه و تمایل به حک و اصلاح و صاف کردن گوشه‌های تیز از صفات ذاتی دموکرات‌های خرده بورژواست.» (لنین - اقتصاد و سیاست در عصر دیکتاتوری پرولتاریا)

با وجود این که در برخی از بیانیه‌های کارگری می‌توان خواست گذار از سرمایه‌داری را ردیابی کرد مثل بیانیه

خاک سپاری ژینا توسط خانواده وی در سقز، سپس اعتراضات وسیع زنان زحمتکش در کردستان و سپس آغاز غلیان طبقه کارگر علیه ستم‌های تحمل‌ناپذیر بر آنها و در پی آن به پا خیزی کلیه ستم دیدگان جامعه علیه رژیم جمهوری اسلامی به پیش رفت.

#### سوم:

همین خودجوشی مضمون جنبش دمکراتیک را بیان می‌کند. زیرا جنبش‌های انقلابی اگر در ابتدا بخشاً خودجوش باشند که حتما هم هستند، سریعاً توسط حزب کمونیست راستین سازمان می‌یابند و با برنامه استراتژیکی و تاکتیکی مشخصی به پیش می‌روند. این خودجوشی نشان می‌دهد که جنبش ۱۴۰۱ نه یک جنبش انقلابی بلکه یک جنبش پراکنده دمکراتیک بود.

رادیو زمانه (آقای شهبازی) از این هم پیشتر می‌رود و نیروی محرکه انقلاب را سر و ته جلوه می‌دهد. آگاهانه نقش تأثیر گذار و محرک طبقه کارگر را می‌پوشاند. زنان در جنبش ۱۴۰۱ شجاعانه در خط مقدم مبارزه بودند ولی این به هیچ وجه به معنای این نیست که زنان نیروی محرکه این جنبش بودند. ببینیم رادیو زمانه چه می‌گوید: «بنابراین برای اثبات تئوری زنان به عنوان رهبران و نیروی‌های محرک جنبش انقلابی ژینا باید ابتدا پیش فرض "علت مادی" در جامعه ایران را تبیین کرد.» تبیین ایشان چنین است: «آزادی زنان به مثابه شرط آزادی همه اقشار و طبقات»

واقعاً دُرّ افشانی غریبی است. سؤال این است: زنان چه زمانی آزاد می‌شوند؟ آقای شهبازی به این سؤال جواب نمی‌دهد. ولی ما می‌گوئیم وقتی کل طبقه کارگر (زن و مرد) از استعمار خلاصی یابند. آن وقت کل جامعه از ساختار سرمایه‌داری آزاد می‌شود. در نتیجه آزادی زنان بستگی تام به آزادی طبقه کارگر دارد. ولی آقای

شهبازی (رادیو زمانه) تصمیم گرفته است خاک به چشم طبقه کارگر بپاشد. آقای شهبازی با این مواضع مشعشعانه خود به این نتیجه می‌رسد که جنبش ۱۴۰۱، جنبش انقلابی ژینائی بود. آفرین! در عین حال این آقای متفکر، شبه شعار "زن، زندگی، آزادی" را شعار ایجابی می‌نامد. این شبه شعار چه چیزی را ایجاب می‌کند؟ سوسیالیسم را؟ دمکراسی را؟ آزادی را؟ اصلاً سمت و سوی این شبه شعار چیست؟

این شبه شعار به ایجاب یک چیز کمک می‌کند، به ایجاب یک نظام سرمایه‌داری "معتدل" که با کمک امپریالیسم حاکم می‌گردد و در خدمت آن پوست از سر کارگران و زحمتکشان می‌کند.

سایت ایران تک (Iran tc) در مقاله‌ای با عنوان "به مناسبت دومین سالگرد شروع انقلاب "ژینا" نوشته مجید ناصری چنین می‌گوید: «جنبش "زن، زندگی، آزادی" که نتیجه ۴۴ سال مبارزه مردم ایران و خصوصاً زنان با رژیم جمهوری اسلامی است. جنبشی، مدرن، عدالتخواهانه، آزادی خواهانه و ضد تبعیض است که با شعار زن، علیه "همه تبعض‌ها"، با شعار زندگی علیه "جامعه مرگ و ماتم و عزا"، با شعار آزادی علیه استبداد مطلقه فقهاتی به مصاف برخاسته است.

و به آلترناتیوی روشن برای مردم ایران در مرحله سرنگونی رژیم تبهکار جمهوری اسلامی و پس از سرنگونی آن شده است.» (ایران تک - مجید ناصری) این آلترناتیو چیست؟ جامعه سوسیالیستی؟ آقای ناصری در این مورد توضیحی ندارد. این آلترناتیو یک جامعه "دمکراتیک" است. یعنی آزادی، زندگی، و رهایی زن در یک ساختار سرمایه‌داری. در دوران کنونی هر دولت غیر پرولتری، در فرادای حاکمیت به یک حاکمیت فاشیستی تبدیل می‌گردد. البته این را آقای ناصری می‌داند ولی خرده بورژوازی دست بردار نیست.

رادیو آلمان (فارسی) نوشته آقای مجید نفیسی تحت عنوان "جرات به اندیشیدن و انقلاب ژینا" را چنین تفسیر می‌کند: «از نگاه نفیسی، جنبش انقلابی ژینا نشان داد که مردم به یک بلوغ فکری کانتی رسیده‌اند و دیگر حاضر نیستند از ولی فقیه اطاعت کنند.» خواننده به وضوح می‌بیند که از نظر سرمایه‌داری بین‌المللی انقلاب ژینا که فقط تا سرحد عدم قبول ولایت فقیه جلو می‌رود، تا چه اندازه پذیرفتنی است.

برخی از نیروهای خرده بورژوازی اپورتونیست در اپوزیسیون نیز به این خیمه شب بازی گرویدند و تا توانستند آن را روی دست علم کرده و می‌کنند. مثلاً شبکه سراسری "انقلاب زن، زندگی، آزادی" نیز بر این شیپور می‌دمد. حزب کمونیست ایران نیز از جمله این نیروهاست. این حزب در دومین سالگرد قتل دولتی مهسا امینی، چنین می‌نویسد: «روز ۲۵ شهریور ۱۴۰۳ دومین سالروز آغاز جنبش انقلابی ژینا نیز به تاریخ پر افتخار جنبش انقلابی کردستان پیوست.» «اعتصاب در سالگرد انقلاب ژینا در شهرهای کردستان»، «آکسیون اعتراضی در هامبورگ در دومین سالگرد جنبش انقلابی ژینا» (جهان امروز - ۲۵ شهریور ۱۴۰۳)

این حزب کمونیستی در این مورد فراموش کرده است که انقلاب طبقاتی‌ست. در جامعه سرمایه‌داری ایران، انقلاب، انقلاب پرولتری‌ست که پرولتاریا برای سرنگونی بورژوازی حاکم، کلیه زحمتکشان و ستم دیدگان و عناصر مترقی را متحد می‌کند. ولی مضمون انقلاب پرولتری و هدف انقلاب سوسیالیسم است. این حزب فراموش کرده است که انقلاب فردی نیست.

کمونیست‌ها نمی‌گویند جنبش انقلابی مارکس و یا جنبش انقلابی لنین یا جنبش انقلابی مائو تسه‌دون. بلکه می‌گویند جنبش انقلابی دمکراتیک کارگران و دهقانان در روسیه یا جنبش انقلابی سوسیالیستی در همین کشور یا جنبش انقلابی دمکراتیک نوین تحت رهبری

**سرنگون باد رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی ایران**

جمهوری اسلامی و دلارهایش برای این گروه تروریست وجود دارد، بازیگوشی آن نیز علیه اسرائیل ادامه خواهد داشت. همان طور که گفته شد، اسرائیل برای رسیدن به دو هدف فوق باید امنیت کشورش را تأمین کند. این امنیت از دو سو در خطر قرار گرفته است:

۱- شعله‌ور شدن خشم و غضب و اراده انتقام علیه تهاجم فاشیستی، ویران‌گری و ارتکاب هزاران جنایتی که اسرائیل نسبت به مردم اطراف به ویژه مردم غزه روا میدارد. متأسفانه بر اثر شرایط موجود در منطقه، بر این خشم و غضب، نیروهای ضد مردمی سوار می‌شوند مثل حزب‌الله لبنان، حماس فلسطینی، حوثی یمنی و حشدالشعبی عراقی و رژیم فاشیستی جمهوری اسلامی.

۲- همین نیروها به علت منافع خود قادر به پذیرش کشور اسرائیل در منطقه نیستند. اسرائیل را برای موجودیت خود خطرناک می‌دانند و در شرایط مساعد بدان تهاجم می‌کنند.

علت عینی عدم پذیرش اسرائیل توسط این نیروها، اشغال دائم سرزمین‌های اطراف توسط دولت اسرائیل است که موجودیت آنها و ملت فلسطین را به خطر می‌اندازد. اسرائیل که هنوز نتوانسته به اولین و دومین اهداف خود حتی نزدیک هم شود، تصمیم می‌گیرد، امنیت خود را سر و سامان دهد. برای این منظور:

الف- سعی می‌کند رهبران و فعالین حماس و حزب‌الله لبنان را از میان بردارد. انفجار صدها پیجر متعلق به رهبران و کادرهای حزب‌الله که باعث مرگ صدها نفر و مجروح شدن بیش از دو هزار نفر گردید. سازماندهی ترور رهبران حماس و حزب‌الله و برخی شخصیت‌های جمهوری اسلامی در فواصل مختلف زمانی مثل: ترور فواد شکرالله، محمد ناصر، طالب عبدالله، وسام طویل، محمد ضیف و و در روزهای اخیر هنیه در تهران و نصرالله در لبنان.... و ترور شخصیت‌های علمی هسته‌ای ایرانی در ایران و بسیاری ترورهای دیگر.

صادرکننده بزرگ گاز و شاید نفت تبدیل می‌شود.»

برای تبدیل شدن اسرائیل به صادرکننده نفت و گاز در درجه اول باید صاحب غزه شود و بیش از ۲ میلیون فلسطینی را از منطقه زندگی و خانه و کاشان‌شان بیرون براند.

۳- اسرائیل کشور بسیار کوچکی است که گنجایش جمعیت بالائی را ندارد. بهترین امکان برای گسترش اسرائیل تصاحب غزه‌ی بدون انسان است.

۴- اسرائیل با جمعیت بالاتر و سرزمین گسترده‌تر بهتر می‌تواند برای سلطه مجدد آمریکا در منطقه تلاش کند.

از این نقطه نظر آنچه که برای فاشیست‌های اسرائیلی مطرح نیست، جان گروگان‌هایی است که در چنگال حماس گرفتارند. این واقعیت را جواب نتانیاهاو درپرسش وزیر دفاع این کشور، گالانت، برملا می‌سازد. گالانت از نتانیاهاو می‌پرسد برای تو جان گروگانها اهمیت دارد یا محور فیلادلفیا؟ او می‌گوید: «محور فیلادلفیا.»

در نتیجه هدف اسرائیل بیرون راندن بیش از دو میلیون فلسطینی از زادگاهشان، تسلیم حماس که دوباره به صورت یک سازمان تروریستی مجری فرمان فاشیست‌های صهیونیست گردد و ایجاد امنیت منطقه‌ای برای گسترش سرزمینی و استخراج بدون مانع و رقیب ذخائر نفت و گاز غزه است.

فاشیست‌های اسرائیلی تا کنون تلاش کرده‌اند با ویران کردن کلیه شهرها و روستاهای غزه، با کشتار فجیح بیش از ۵۰ هزار فلسطینی، آنها را از منطقه زندگی و کشورشان برانند ولی تا کنون به این امر موفق نگشته‌اند.

هنوز هم صدها هزار فلسطینی در زیر بمباران بدون وقفه هواپیماها و موشک‌های اسرائیلی در تلاش زندگی هستند و با کوچکترین امکان به شادی و پای کوبی مشغول می‌شوند.

حماس هنوز رام نشده است. مثل یک طفل بازیگوش قهر کرده و به دامن جمهوری اسلامی پناه آورده است. تا دامان گرم

پرولتاریا در چین و غیره. جنبش ۱۴۰۱ را حتی اگر جنبشی انقلابی می‌بود، از مضمون طبقاتی آن تهی کردن و آن را فردی و ژینائی نمودن مختص سرمایه‌داری وحشت زده و یا خرده بورژوازی ناسیونالیست با ماسک چپ است.

ما معتقد نیستیم که تمام رفقای حزب کمونیست اپورتونیست هستند بلکه معتقدیم که این موضع حزب کمونیست در رابطه با جنبش ۱۴۰۱ اپورتونیستی‌ست و بوئی از مارکسیسم نبرده است.

امروزه کوچکترین تزلزل و لمیدگی بر مارکسیسم، به قیمت خون هزاران مبارز جان برکف تمام خواهد شد و جنبش را به یک دایره شیطنانی خواهد کشید. باید مارکسیسم را بیاموزیم و در عمل بکار ببندیم. باید علیه ایده‌های مخرب خرده بورژوازی به پیکار بایستیم.

### انقلاب امر توده‌های میلیونی کار و زحمت است

### نکاتی در بررسی اوضاع خاورمیانه

۲- «حدود ۳۰ کیلومتری از ساحل نوار غزه میلیاردها متر مکعب گاز در اعماق زمین آرام گرفته است ... حدود ۲۸ میلیارد متر مکعب.» (ntv - 18.06.2023) و «در اعماق زمین این منطقه در فاصله حدود ۳۰ کیلومتری غرب ساحل غزه بیش از یک تریلیون فوت مکعب ذخیره‌گازی کشف شده است. این ذخیره‌گازی توسط شرکت انگلیسی و چند ملیتی نفت و گاز در سال ۱۹۹۹ کشف شد.» (خبرگزاری جمهوری اسلامی - ۲۷ آبان ۱۴۰۲ - کد خبر: ۸۵۲۹۴۳۴۵)

در سال ۲۰۱۳ نیز در اسرائیل در منطقه لویاتان (Lewiathan) نیز یک ذخیره‌گازی کشف شده است. در همین رابطه است که فیلیسیتی آربوتانتا، روزنامه‌نگار می‌نویسد: «اگر همه چیز طبق برنامه پیش برود، اسرائیل به

ولی این ترورها هیچ تأثیری در سرنوشت جنگ ندارند. امکان این همیشه ست که یک رهبر رادیکال‌تر و پرنفوذتر و داناتری بر آن سازمان مورد تهاجم قرار گیرد و وضعیت اسرائیل را مخاطره آمیزتر کند.

ب- مناطقی را که این نیروها در آنجا مستقر هستند، بمباران میکند. اسرائیل بدون در نظر گرفتن حضور جمعیت بالائی از کودکان، زنان و مردم غیر نظامی، این مناطق را بمباران می‌کند و آنها را به مخروبه‌های غم انگیزی تبدیل می‌نماید.

پ- پس از بمباران این مناطق، نیروهای نظامی اسرائیل وارد منطقه می‌شوند و تا آنجا که می‌توانند کشتار می‌کند. برای آنها کشتن کودکان در درجه اول اهمیت قرار دارد. ولی ورود سربازان اسرائیل به منطقه بمباران شده آغاز ضربه پذیری اسرائیل است. سربازانش در خون تپیده می‌گردند.

اسرائیل با ویران سازی و ترور رهبران سعی می‌کند امنیت خود را حفظ کند ولی این روش به شکست مقتضحانه‌ای می‌انجامد. این نوع ایجاد امنیت یعنی ویران کردن و تهاجم زمینی، بر مبنای تجربه در طول تاریخ، از نظر نظامی پیروزی مقطعی بدست می‌آورد ولی از نظر سیاسی در دراز مدت شکست به همراه دارد.

تهاجم آمریکا به عراق از نظر نظامی یک پیروزی بود. آنها توانستند بسیاری از قرارگاه‌های نظامی را در عراق نابود کنند بیش از ۷۰۰ هزار نفر نظامی و غیر نظامی را به قتل برسانند و وارد عراق شوند ولی به لحاظ سیاسی شکست خوردند. نتوانستند عراق را نگهدارند. رژیم جمهوری اسلامی در آن مرحله به لحاظ سیاسی پیروزی به دست آورد و توانست دولت عراق را تابع سیاستهای خود کند.

این مسأله را ما در لیبی نیز شاهدیم که اکنون دولت ترکیه در آنجا حرف آخر را می‌زند. در افغانستان نیز آفتاب آمد دلیل آفتاب و...

نابودی گروه‌ها و دولت‌های تروریستی با تهاجم و به قتل رساندن رهبران آنها امکان ندارد. زیرا این گروه‌ها بر نادانی و عقب ماندگی توده‌ها و امکانات مالی شکل می‌گیرند و تا زمانی که توده‌ها در عقب ماندگی فرهنگی و سیاسی هستند، و امکانات مالی نیز فراهم است، گروه‌ها و دولت‌های تروریستی نیز وجود دارند و دائماً مثل قارچ از زمین اقتصاد سرمایه‌داری سر بر می‌آورند؛ از جمله حماس، حزب الله ... و دولت فاشیستی اسرائیل و رژیم فاشیستی ایران.

این دولت برای جلوگیری از حمایت ایران از گروه‌های تروریستی نامبرده، چندین بار به داخل ایران تهاجم نمود. دو بار مراکز ساخت هسته‌ای ایران را با راکت‌های هدف قرار داد و تخریب کرد، بسیاری از دانشمندان هسته‌ای را ترور نمود و در آخر هنیه را با ارسال یک راکت به قلب ایران، تهران، به قتل رساند.

این سیاست‌های مخرب باعث بحران اقتصادی، بحران سیاسی و بالارفتن آگاهی مردم اسرائیل می‌گردد، لذا این کشور با شکاف‌های عمیق اجتماعی رو به رو گشته است. داوید شولمن، استاد جهانی در زمینه سانسکریت، وضعیت درونی اسرائیل را در جمله‌ای کوتاه چنین توصیف می‌کند: «افکار عمومی حس می‌کند که به بن بست رسیده است. این امر، بازتابی از واقعیت است: اسرائیل در بن بست قرار دارد.» (سیلوا این کوپل - ترجمه بهروز عارفی).

آوراها بورگ، رئیس پیشین کنست (مجلس اسرائیل) می‌گوید «جامعه ضربه روحی سختی خورده است. مسئله فلسطین که اعلام می‌کردند در اسرائیل خاتمه یافته است، دوباره با خشونت پدیدار گشته است. فکر می‌کردند که با دولتی فقط برای ما، از ما حفاظت خواهد شد. همه چیز فرو ریخت. از این پس، دولت اسرائیل خطرناک ترین دولت برای یهودیان است. سرانجام، بدون آمریکائیان، ما نمی‌توانستیم این جنگ را به پیش ببریم.»

اسرائیل با این وضعیت داخلی و سیاست خونخوارانه خارجی در مورد فلسطینیان قادر به تأمین امنیت خود در منطقه خاورمیانه نخواهد بود.

رژیم جمهوری اسلامی ایران به تلافی حمله اسرائیل به کنسولگری ایران در دمشق و کشته شدن تعدادی از افسران عالی رتبه جمهوری اسلامی منجمله محمد رضا زاهدی فرمانده ارشد سپاه پاسداران، عملیات "وعده صادق" را در ۲۵ فروردین امسال (۱۳ آوریل ۲۰۲۴) با گسیل ۱۰۰ راکت به اسرائیل انجام داد. ولی این تهاجم یک ظاهر سازی ناشیانه بود. سران رژیم جمهوری اسلامی، تاریخ و سطح تهاجم را به دولت آمریکا اطلاع دادند و مناطقی را برای هدف راکت‌ها انتخاب کردند که کمترین ویرانی و تلفات در اسرائیل به وجود آورد. آنگاه راکت‌های خود را راهی اسرائیل کردند. این راکت‌پرانی برای زهر چشم گرفتن از کشورهای اطراف در خاور میانه و به ویژه نشان دادن قدر قدرتی به مردم ایران بود.

بعد از به قتل رسیدن هنیه و نصرالله و تهاجم اسرائیل به لبنان، دولت ایران به عنوان یک قدرت منطقه‌ای در بین کشورهای منطقه مورد سؤال قرار گرفت و در ایران نیز موج جدیدی از مبارزات کارگری و دیگر اقشار مترقی سطح کشور را پوشاند. رژیم ایران دوباره با ۲۰۰ موشک به اسرائیل تهاجم کرد. این تهاجم که می‌تواند عواقب وخیمی داشته باشد، اساساً مصرف داخلی داشت.

رژیم عمر خود را به آخر می‌بیند. می‌بیند که امواج جدید مبارزه او را در محاصره گرفته است. پس باید انگیزه ترور و خفقان گسترده‌تر و مخوف‌تری را به وجود آورد. و همانند سیاست‌اش در حین جنگ ایران و عراق، هر اعتراضی را به عنوان میهن اسلامی درخطر است، این‌ها خائن به وطن و اسلام هستند، سرکوب کند و مردم را فله‌ای به قتل برساند.

وزارت اطلاعات در فردای تهاجم موشکی به اسرائیل چنین اخطاریه‌ای صادر می‌کند:

«اخطار وزارت اطلاعات:

کشور وارد وضعیت جنگی شده و هر گونه مطلب به نفع دشمن و تضعیف کشور، دولت، سپاه و ارتش خیانت به وطن محسوب شده و اخطار داده می‌شود مدیران کانال‌ها و گروه‌ها این مطلب را نشر دهند.»

در چنین شرایطی و با توجه به نقش استراتژیک نفت و گاز در جهان و وجود این دو ماده حیاتی برای ادامه نظام سرمایه‌داری، می‌توان سیاست‌های نیروهای بزرگ جهانی را مورد ارزیابی قرار داد:

۱- **سیاست آمریکا:** تقویت بی‌چون و چرای مالی و تسلیحاتی اسرائیل برای تغییر نظم موجود در خاورمیانه و برقراری مجدد سرکردگی خود. تمرکز منابع عظیم گاز و نفت غزه در دست دولت اسرائیل و از طریق کنترل این منابع، پیروزی در رقابت با روسیه و چین

۲- **سیاست چین:** سکوت و بی‌تفاوتی اولیه، بعد خواست یک کشور مستقل فلسطینی است که تحت نفوذ خودش باشد. چین در گذشته به فلسطین اسلحه صادر می‌کرد. امروزه چین به علت وجود نفت و گاز در هر دو منطقه اسرائیل و غزه، سیاست مماشات با هر دو طرف درگیری را در پیش گرفته است. برای دولت امپریالیستی و بسیار بی‌رحم چین کشتار ۵۰ هزار نفر فلسطینی کوچکترین اهمیتی ندارد و او را حتی یک میلیمتر از جایش تکان نمی‌دهد.

تاکتیک چین نشستن در انتظار فرصت مناسب برای نفوذ در اسرائیل و غزه و برخورداری یک جانبه از نفت و گاز این منطقه است.

در عین حال چین به لحاظ تاکتیکی خواهان آن چنان شرایطی در منطقه است که آمریکا و ناتو را در آنجا میخکوب کند تا آن‌ها نتوانند در مسأله تایوان فعالانه دخالت نمایند و مانورهایشان در دریای چین فروکش نماید.

بی بی سی فارسی می‌گوید: «چین و روسیه روابط خود را با تمام بازیگران

منطقه، از جمله ایران، سوریه و ترکیه حفظ کرده‌اند. برخلاف آمریکا که حماس را یک سازمان تروریستی می‌داند و به همین دلیل قادر به مذاکره با آن نیست، نه پکن و نه مسکو هیچ مشکلی با دعوت حماس به گفت و گو ندارند. (بی بی سی اول اکتبر ۲۰۲۴)

۳- **روسیه:** سیاست روسیه حاکمیت گام به گام در غزه است تا بتواند بر گاز و نفت آنجا مسلط شود و از موضع قدرتمندتری با کشورهای بزرگ اروپائی رو به رو گردد. به همین جهت نیز به علت تشدید اختلافاتش با اسرائیل، بعد از تهاجم اسرائیل به غزه، از حماس پشتیبانی کرد. در عین حال روسیه تمام سعی خود را دارد که نگذارد درگیری آمریکا در خاورمیانه تخفیف یابد و تمرکز بیشتری بر روند اوضاع اوکراین اعمال کند.

**کشورهای بزرگ اروپائی:** این کشورها با وجود تضاد منافع در اوضاع بین‌المللی، تاکتیک دوگانه‌ای را در خاورمیانه به پیش می‌برند. از یک جانب با کمک مالی و نظامی به اسرائیل سعی می‌کنند منابع نفت و گاز غزه را در تحت قدرت اسرائیل درآورند تا از این طریق بهتر بتوانند، تضمین شده، بخشی از احتیاجات روز افزون انرژی خود را تأمین نمایند، و از جانب دیگر خواهان درگیری نظامی کشورهای خاورمیانه و تشدید این درگیری‌ها هستند تا بتوانند مقادیر هر چه بیشتری از سلاح‌های تولید شده و در انبار مانده کشور خود را به فروش برسانند و با تولید سلاح‌های جدید و ایجاد محل کار به کاهش بحران‌های اقتصادی کشور خود یاری رسانند. عملیات دقیق حزب‌الله و حوثی‌های یمن نشان می‌دهد که آن‌ها از تکنولوژی بالا و امکانات تسلیحاتی وسیعی برخوردارند که فقط ایران نمی‌توان تأمین کننده آن باشد. «حزب‌الله لبنان لحظاتی قبل با صدور بیانیهای اعلام کرد: با ندای لیبیک یا نصرالله، یک حمله موشکی علیه پایگاه گلیلوت متعلق به یگان جاسوسی ۸۲۰۰ و مقر موساد در اطراف تل آویو انجام

دادیم.» (مشرق کد خبر ۱۶۴۷۹۴۳) این یگان جاسوسی با بالاترین تکنولوژی محافظت می‌شود. برای تخریب آن، تکنولوژی بالاتری ضروری است که حزب‌الله دارای آن است. در این زمینه کشورهای اروپائی مثل آلمان و فرانسه وانگلستان نیز سهمی دارند.

**ایران:** سیاست ایران در مورد درگیری‌های اسرائیل و فلسطین و لبنان ارائه خود به صورت قدرت منطقه‌ای و از آن بیشتر ایجاد شرایط بین‌المللی برای محقانه جلوه دادن سرکوب‌های خونین در درون ایران است. ولی شرایط امروز با شرایط جنگ ایران و عراق هیچ تطابقی ندارد. در امروز مردم نه از عوامفریبی‌های جمهوری اسلامی دال بر دفاع از میهن اسلامی گول می‌خورند و نه از تهدیدهای آن می‌ترسند. ادامه درگیری ایران با اسرائیل باعث رشد و شکوفائی جنبش توده‌های تحت ستم و استثمار می‌گردد و رژیم را گامی دیگر به گورستان خود نزدیک می‌سازد.

از آنچه گفته شد بر می‌آید که در شرایط امروز دولت اسرائیل از پشتیبانی واقعی اکثر دولت‌های سرمایه‌داری در سطح بین‌المللی برخوردار است و مردم فلسطین غیر از پشتیبانی اکثر ستم‌دیدگان جهان، از پشتیبانی واقعی و عملی هیچ دولتی برخوردار نیست. ولی اسرائیل به دلیل سیاست‌های عمیقاً ضد مردمی و خونین‌اش بر منطقه، ناچاراً محکوم به شکست است. اما پشتیبانی بین‌المللی توده‌های استثمار شونده و تحت ستم از مردم فلسطین، هر روز قدرتمندتر و مؤثرتر می‌گردد، زیرا آن‌ها هر روز آگاهتر و متشکل‌تر می‌شوند و برای انقلاب مصمم‌تر می‌گردند.

سرمایه‌داری  
از هر نوع‌اش  
استثمارگر و ستمگر است.

زنده باد  
انترناسیونالیسم  
پروولتاریائی

## از مبارزات سراسری پرستاران کشور پشتیبانی کنیم

"پرستاران می‌میرند، ذلت نمی‌پذیرند"،  
"وعده و وعید نمی‌خوایم، ما حقمونو را  
می‌خوایم"، "تعرفه ما کجاست، توی جیب  
شماهاست"



ولی پرستاران ایران در حلقان شغلی و  
اجتماعی قرار دارند و برای نجات از این  
شرایط تحمل ناپذیر راه مبارزه را در  
پیش گرفته‌اند.

موج جدید اعتراضات پرستاران از  
فروردین ماه ۱۴۰۳ در شیراز،  
بویراحمی، و لامرد، با شعار "وعده و  
وعید کافیه، سفره ما خالیه" آغاز می‌شود.  
این جنبش در تمام شهرهای بزرگ و اکثر  
شهرهای دیگر ایران گسترش می‌یابد و  
همراه آن شعارها و درخواست‌های  
معیشتی - اجتماعی خود را با دقت  
فرموله می‌کند. پرستاران خواستار:

پاداش مناسبت‌ها، عدم اضافه کاری  
اجباری (بیگاری صرف)، پرداخت قابل  
قبول برای اضافه کاری، تعرفه گذاری  
صحیح پرستاری، بهبود حقوق پرستاری،  
پرداخت معوقات چندین ماهه، استخدام  
پرستاران جدید و کم کردن فشار کاری،  
پرداخت شفاف تعرفه پرستاری، اجرای  
کامل قانون بهره‌وری طبق خدمات  
پرستاران، هستند و بر درخواست‌های  
خود با ثبات ایستاده‌اند.

در برخی از بیمارستان‌ها کار قانونی  
۱۶۰ ساعت در ماه پرستاران را به ۱۷۵  
ساعت ارتقاء داده و برای هر پرستاری  
۵۰ ساعت اضافه کاری اجباری تعیین  
کرده‌اند. این ظلم تحمل ناپذیر و غیر  
انسانی شعله خشم به حق پرستاران را به  
لهیب آتش سوزانی تبدیل کرده است.

شعارهای این کارگران خدمت گذار و  
شرافتمند در کل دوران چند ماهه  
مبارزات اخیرشان چنین است:

"تورم دلاری، حقوق ما ریالی"، "با  
کرونا جنگیدیم، حمایتی ندیدیم"، "اضافه  
کار بیست تومان، حجات، حجات"

"پرستار نباشه، بیمارستان تعطیله"،  
"مسئول بی کفایت استعفا، استعفا"، "ما  
که نماد صبریم، صبرمون سر رسیده"

وقتی که مأموران در ۶ شهریور به  
پراکندن تظاهرات پرستاران اقدام  
می‌کنند، معترضین شعار می‌دهند: "فکر  
می‌کنید امروزه، قرار ما هر روزه" و این  
هر روز، تا به امروز ادامه یافته است.  
در جریان پیشرفت و گسترش مبارزه  
پرستاران، ماماها نیز در ۳۰ مرداد بدن  
می‌پیوندند.

"نظام پرستاری مشهد" با صدور  
اعلامیه‌ای در ۳۰ مرداد ۱۴۰۳ تهدید  
می‌کند که اگر اقدامات ایدائی علیه  
پرستاران قطع نشود، هیأت مدیره نظام  
پرستاری با استعفای جمعی در کنار  
پرستاران قرار خواهند گرفت. در همین  
ماه پرسنل اورژانس نیز به اعتراضات  
پرستاران می‌پیوندند. در این روز، انحرافی  
در این جنبش به چشم می‌خورد که نقطه  
ضعف آن را نشان می‌دهد. این انحراف  
در شعاری است که پرستاران همدان در  
مقابل ساختمان استانداری این شهر سر  
می‌دهند: "استاندار محترم، حمایت،  
حمایت"

در ماه مرداد این اعتراضات و اعتصابات  
شدت بی سابقه‌ای می‌گیرد.

در ۳ شهریور وزیر بهداشت وعده‌های  
سر خرمن می‌دهد که با بی اعتنائی

می‌دهد.  
بی اعتباری وعده‌های وزیر بهداشت،  
توهم نسبت به همیاری مقامات جمهوری  
اسلامی را از بین می‌برد و دیگر هیچگاه  
شعاری همچون "استاندار محترم،  
حمایت، حمایت" در اعتراضات آنها به  
گوش نمی‌رسد.

جنبش پرستاران کشور، همچون جنبش  
بخش‌های دیگر طبقه کارگر با تحقیر،  
سرکوب، دستگیری و شکنجه نیروهای  
سرمایه‌داری رو به رو می‌شود. رژیم  
فاشیستی ایران در کنار این ابزارها، از  
ابزارهای دیگر از قبیل وعده‌های تو  
خالی، استفاده از کادر پزشکی  
بیمارستان‌های سپاه، پرستاران دوره  
آموزشی نیز برای شکستن اعتصاب  
پرستاران استفاده می‌کند.

یکی از پرستاران در مورد توطئه رژیم  
چنین می‌گوید: «در مجموع یک میلیون و  
۶۰۰ هزار تومان به حسابم ریختند؛ آیا  
فکر می‌کنند همه مشکلات ما پرستاران با  
این یک میلیون و ۶۰۰ هزار تومان حل  
می‌شود؟» رژیم سعی می‌کند با این اقدام  
بین پرستاران نفاق ایجاد کند که با  
هوشیاری آنها شکست نصیب‌اش می‌شود.

این سیاست ضد مردمی و ضد کارگری  
رژیم علاوه بر این که مقاومت روز  
افزون این گروه از کارگران شرافتمند و  
زحمتکش میهن ما را تشدید می‌کند،



بخشی از آنها نیز که امکان مهاجرت دارند، از کشور خارج می‌شوند.

بر مبنای گزارش سازمان جهانی بهداشت (WHO) حدود ۷۷ درصد کشورهای توسعه یافته با کمبود پرستار رو به رو هستند. آنها علاوه بر تربیت پرستار در داخل کشور خودشان، سعی می‌کنند پرستاران خارجی را نیز جذب کنند.

با توجه به سیاست‌های ارتجاعی رژیم فاشیستی ایران و امکانات تقریباً مناسب در این زمینه در کشورهای پیشرفته، بخشی از پرستاران راهی این کشورها می‌شوند.

آرمین زارعیان، رئیس هیأت مدیره نظام پرستاری در سال ۱۴۰۲ به خبرگزاری دانشجو می‌گوید: «هر ماه ۵۰۰ پرستار از ایران به کشورهایی مانند کانادا، سوئد و برخی کشورهای عربی حوزه خلیج فارس مهاجرت کرده‌اند»

محمد شریفی مقدم، دبیرکل خانه پرستار ایران از مهاجرت ۲ تا سه هزار پرستار در سال ۱۴۰۲-۱۴۰۳ از کشور خبر داد. این به معنای از کار افتادگی ده‌ها بیمارستان و کلینیک‌های درمانی و در خطر قرار گرفتن جان صدها هزار نفر از بیماران کشور است.

تحت چنین شرایط خفقان آور و غیر قابل تحملی در نظام سلامتی ایران است که برخی از پزشکان دست به خودکشی می‌زنند. طبق گزارش خانم نازیلا شاه منصور، روانپزشک:

«از ۱۳ خودکشی پزشکان جوان و رزیدنت‌ها در سال گذشته، ۱۱ نفر زن بوده‌اند.» در همین مورد «بر اساس آخرین بررسی‌ها، آمار خودکشی در میان پزشکان مرد ۴۰ درصد و در پزشکان زن ۱۳۰ درصد، نسبت به جمعیت عمومی، افزایش یافته که عدد قابل توجه و نگران کننده‌ای است.» (دنیای اقتصاد) با پیشرفت مبارزات این زحمتکشان، بخش‌های دیگر کارگری کشورمان به پشتیبانی آنها برخاستند. "شورای کارگران هفت تیه"، "گروه اتحاد بازنشستگان و کارگران بازنشسته خوزستان" و "کمپته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری" در

طی بیانیه‌های پشتیبانی خود از کارگران را چنین بیان کرده‌اند:

«بسیاری از این خواست‌های معیشتی، مزدی و رفاهی، خواست و مبارزه مشترک ما کارگران، معلمان، بازنشستگان و سایر مزد بگیران است.» (DW)

«کنفدراسیون عمومی کار ایتالیا، یکی از بزرگترین اتحادیه‌های بخش عمومی ایتالیا که نماینده کارگران بخش بهداشت و درمان است، همبستگی خود را با پرستاران ایرانی که در هفته‌های اخیر در اعتصاب بوده‌اند، اعلام کرده است.» (سایت آینه روز)

در بیانیه انجمن صنفی معلمان فارس در روز ۲۵ مرداد، از جمله چنین آمده است: «به نمایندگی از معلمان این استان حمایت خود را از پرستاران زحمتکش فارس و سراسر کشور اعلام کرده و اعتراض آن‌ها را کاملاً قانونی می‌دانیم.»

این مبارزات توسط بسیاری از کارگران در رشته‌های مختلف تولیدی، بسیاری از گروه‌ها اجتماعی و فرهنگی مورد پشتیبانی بی دریغ قرار گرفته است. مبارزات پرستاران بخشاً تحت هدایت "شورای هماهنگی اعتراضات

پرستاران" به پیش می‌رود. می‌توان گفت که این مبارزات تا اندازه‌ای سازمان داده شده‌اند. به همین دلیل از استحکام و تداوم نسبتاً بالایی برخوردار می‌باشند.

بدون پرستاران و پزشکان جامعه به مرگ محکوم است. از مبارزات آنها پشتیبانی کنیم.

**تنها وسیله سرنگونی رژیم سرمایه، انقلاب قهر آمیز توده‌های کار و زحمت است**

### شریفه محمدی در همدردی با خانواده جان باختگان معدن طبس

آیدین عزیزم! پسر نازنینم! ببخشید از این که در روز اول مهر و سال تحصیلی جدید در مقطعی بالاتر در کنارت نبودم تا به روال همیشگی، موهای زیبایی را شانه

کنم و روانه مدرسه‌ات نمایم و تو با شیرین زبانی بگویی: ممنون مامان، روز خوبی داشته باشی...

همنوردان نازنینم! در کنارتان نیستم تا همراه و همگام در مسیر درفک زیبا و پرغرور، همصدا بخوانیم:

همراه شو عزیز! تنها نمان به درد

کین درد مشترک، هرگز جدا جدا درمان نمی‌شود

تا گرمی بداریم یاد و خاطره‌ی معلمان عشق و ایثار را.

عزیزانم! می‌دانم که این روزها سپری خواهد شد و ما باز هم کنار یکدیگر سرود زندگی سر خواهیم داد. اما بی‌مهری پاییز و ماه مهر برای ما تمامی ندارد.

ساعت ۱۲ شب است و ساعتی از خاموشی بند گذشته است و من خواب به چشمانم نمی‌رود.

بی اختیار گریه می‌کنم اما نه برای دل‌تنگی آیدین و نه برای حکمی که دارم و نه برای این‌که در کنار فرزندم نیستم تا او را روانه‌ی مدرسه جدید نمایم.

چگونه شب را سپری خواهند کرد کودکان و مادران و زنانی که عزیزان‌شان زیر خروارها خاک مدفون شده‌اند؟

کودکان چگونه اول مهر روانه مدرسه خواهند شد در حالی که پدران‌شان را از دست داده‌اند؟

امروز خبر مرگ ۵۱ نفر از کارگران معدن در طبس لرزه بر جانم انداخت؛ فاجعه‌ای دیگر!!

کارگران معدن برای لقمه‌ای نان، حاضر به انجام سخت‌ترین کارها در بدترین و نایمن‌ترین شرایط هستند تا شاید برای زنده ماندن خود و خانواده، مزدی ناچیز دریافت نمایند.

تصور می‌کنم چشمان منتظر کودکان را که پدران‌شان از سر کار برگردند...

آه و افسوس که لبخند و شادی در اولین روز مهر بر لبان زنان و کودکان‌شان خشکیده شد!

تسلیت از پشت میله‌های زندان به خانواده‌های این عزیزان و تسلیت به هم طبقه‌ای‌هایم که این روزها شرایط سخت

زندگی و معیشت بر دوششان سنگینی می‌کند!

آیدین عزیزم! پسر نازنینم!

تو هم مهر امسال را با بی‌مهري آغاز کردی. حتی اگر در کنارت بودم و بهترین لباس‌ها را برایت تهیه می‌کردم و به بهترین مدرسه روانه‌ات می‌کردم؛ اما شادی واقعی برایم روزی است که هیچ کودکی به خاطر فقر و نداری از شادی و تحصیل و از حق زندگی کردن محروم نباشد و هیچ پدر و مادری با نگرانی که آیا فرزند و یا همسرش بعد از یک روز کاری، زنده از محل کار باز خواهد گشت یا نه، روزش را سپری نکند.

و من آن روز را انتظار می‌کشم!

شریفه محمدی

بند تشخیص زندان لاکان رشت.»



## ریشه‌های گرانی و فقر اخیر در جامعه

فقر دمکراسی و فقر در داشتن محیط زیست سالم اشاره دارد. این سه زمینه مهم اجتماعی فقر، در رابطه گسست ناپذیر با هم قرار دارند و در هم تأثیرات عمیقی می‌گذارند. ما در این نوشته فقط به گرانی و فقر اقتصادی کنونی می‌پردازیم.

فقر اقتصادی چیست؟ فقر اقتصادی عبارت از شرایطی است که تولید کننده ثروت نتواند به لحاظ معیشتی، آن انرژی لازمی را داشته باشد که پروسه تولید از او می‌طلبد.

سایت آمریکایی CalorieLab.co در سال ۲۰۱۶ میزان کالری مشاغل مختلف را دقیقاً محاسبه کرده است. کارگری که با یک دستگاه صنعتی در کارخانه کار می‌کند به طور متوسط در هر ساعت ۲۷۲ کالری و کارگر جاده ساز ۳۴۰ کالری در ساعت مصرف می‌کند. در نتیجه یک کارگر صنعتی برای ۹ ساعت کار به ۲۴۴۸ کالری احتیاج دارد. ولی کارگر

جاده ساز برای همین روز کار به ۳۰۶۰ کالری محتاج است. خط فقر برای این کارگر صنعتی عبارت از شرایطی است که فقط بتواند آنچنان خانواده خود را از لحاظ معیشتی، پوشاک و مسکن تأمین کند که در پروسه کار در بدن خودش ۲۴۴۸ کالری انرژی موجود باشد. این خط واقعی فقر است. تأمین کمتر از این، او را به زیر خط فقر و فقر مطلق می‌کشانند.

فقر مطلق عبارت است از عدم توانایی در تأمین این نیازها: بیکاران، گورخوابان و به طور کلی بی‌سرپناهان و پناهندگان به مراکز تأمین اجتماعی جزو این گروه هستند. در ایران میلیون‌ها نفر به گروه درماندگان در فقر مطلق متعلق‌اند.

نیروی کار یک کالا است که سرمایه‌دار آن را روزانه، ماهانه و یا سالانه می‌خرد. اگر این کالا به قیمتی به سرمایه‌دار فروخته شود که صاحب کالا (کارگر) بتواند با پولی که دریافت می‌کند، دوباره نیروی کار را تأمین نماید. زندگی آن کارگر در بالا و یا در خط فقر قرار دارد. در غیر این صورت کارگر و خانواده‌اش در زیر خط فقر زندگی می‌کنند.

در نتیجه فقر ناشی از استثمار شدید کارگران است یعنی خریدن ارزان نیرو کار و چپاول همان قیمتی که باید برای این نیروی کار پرداخت شود. (ندادن مزد ماهانه و مزد اضافه کاری و غیره)

یکی از عوامل فقر، گرانی مستمر کالاهای ضروری زندگی است. ولی گرانی امری است برنامه ریزی شده توسط قدرت سیاسی یعنی دولت. مزد نیروی کار ثابت است ولی قیمت کالاها روزافزون افزایش می‌یابد. یعنی اگر امروز یک کارگر می‌تواند با مزدی که دریافت می‌کند هر روز ۳ قرص نان بخرد، در فردا با همان مزد می‌تواند فقط ۲/۵ قرص نان تهیه نماید و ...

در یک جامعه و دولت سرمایه‌داری غیر فاشیستی زمانی گرانی صورت می‌گیرد که دولت در بحران مالی است و با گران کردن کالاها مبلغ بیشتری از مردم کسب می‌کند تا بودجه سالانه خود را ترمیم

نماید. در این صورت گرانی با وجود فشار اولیه‌اش بر مردم، می‌تواند موقتاً تا اندازه‌ای بحران‌زدا باشد. ولی در دولت‌های شدیداً ضد مردمی و فاشیستی اوضاع به گونه دیگری است.

ببینیم این امر در ایران چگونه پیش می‌رود.

بودجه ایران در سال ۱۴۰۳ شش میلیون و چهارصد و پنجاه و هشت هزار و هفت صد و دوازده هزار میلیارد و سیصد و نود و نه میلیون و هفتصد هزار تومان می‌باشد (۶/۴۵۸/۷۱۲/۳۹۹/۷۰۰/۰۰۰ تومان)

این بودجه باید بتواند مسأله مسکن، معاش، پوشاک و بهداشت جامعه منجمله طبقه کارکن و تولید کننده را تأمین نماید. این بودجه نسبت به بودجه سال ۱۴۰۲ حدود ۱۸ درصد افزایش نشان می‌دهد. یعنی ۱۸ درصد بر استثمار نیروی کار افزوده شده و بر ثروت اجتماعی اضافه گشته است ولی در روزهای اخیر گرانی سرسام آور، زندگی را بر مردم کم درآمد تحمل ناپذیرتر از گذشته نموده است. برای نمونه قیمت چند کالای اساسی را برمی‌شماریم:

هر کیلو شیر از ۱۵ هزار تومان به ۱۸۱۰۰ تومان یعنی افزایش ۲۰ درصدی، هر کیلو خیار از ۴۰ به هفتاد هزار تومان، و قیمت مرغ از ۶۵ به ۸۵ هزار تومان افزایش یافته است. قیمت نان، یعنی خوراک اصلی زحمتکشان کشور ما در سال جاری ۲۵ درصد و قیمت شکر ۵۱ درصد، افزایش نشان می‌دهد. (داده‌ها از سایت اقتصاد ۲۴)

انباشت حاصله از این گرانی که باید بودجه کشور را بسازد و نیازهای مردم را سرو سامان دهد در کجا سرازیر می‌شود؟

۱- صرف بودجه دوهزار میلیارد تومانی به اضافه بودجه‌های جانبی برای مراسم اربعین سال ۱۴۰۳. ۲- صرف بودجه دو هزار میلیارد تومانی برای "مؤسسه امام خمینی" در ده سال اخیر. ۳- صرف بودجه دو هزار و دویست و بیست میلیارد تومانی برای "مؤسسه مصباح

استثمار را از مبارزه بازدارد، آن‌ها را سردرگم و به گوشه‌های تاریک عرفان و در خود فرو رفتگی بکشاند ولی امروزه این کج اندیشی‌ها و خرافات در تقابل با علم و دانش عمومی اجتماعی در سطح ملی و بین‌المللی قرار دارد و شکست مقتضای آن حتمی‌ست. همان‌طور که مبارزه به خاطر دمکراسی و سوسیالیسم امری ناگزیر است.

فقر گسترش‌یابنده نیروی استثمار شونده ذاتی نظام سرمایه‌داری‌ست. برای ریشه کن کردن فقر مبارزه علیه رژیم جمهوری اسلامی کافی نیست. بلکه این مبارزه باید با مبارزه علیه ساختار سرمایه‌داری تکمیل شود. فقط در سوسیالیسم است که گرانی و فقر ریشه کن می‌گردد.

سرمایه‌داری امپریالیستی جهان را بر مبنای خصلت استثمارگرانه و چپاول‌گرانه‌اش به صورت ویرانه‌ی کنونی درآورده است. تغییرات مثبت به نفع طبقات استثمار شده و ستم دیده را نه سرمایه‌داری، بلکه نوسازی درونی جنبش کمونیستی شکل خواهد داد. در پروسه ایجاد احزاب کمونیست در کشورهای مختلف و ایجاد یک انترناسیونال کمونیستی مقتدر این روند آغاز می‌گردد.

### انفجار در معدن زغال سنگ طبس

"شرکت معدنچو" یک شرکت خصوصی استخراج مواد معدنی است. بنا به گفته ابراهیم رحیمیان، «در پی ادامه روند امداد رسانی در قسمت بلوک سی که ۲۲ کارگر محبوس بودند به علت افزایش گاز متان، همگی جان باختند.» امیر مرتضی، رئیس اداره کار تعاون و رفاه اجتماعی طبس گفت که این حادثه به علت انفجار گاز متان در بلوک سی معدن رخ داد و «به دلیل حجم زیاد گاز امداد رسانی فوری در داخل تونل» با مشکل مواجه است.

مجموعه این اختلاس‌ها که توسط دولتمردان رژیم انجام می‌گیرد و سر به صدها میلیارد دلار می‌زند، عصاره زندگی را در جامعه ما می‌مکد، جامعه را به ضعف می‌کشاند و بنیان‌های مادی اضمحلال آن را فراهم می‌کند. بخل و بخشش میلیارد دلاری به برخی سازمان‌ها و دولت‌های تروریستی بین‌المللی، بر این مصائب اضافه می‌گردد.

مجموعه این نارسائی‌ها و فسادهای علاج ناپذیر باعث از بین رفتن امنیت ملی در دو زمینه گشته است:

۱- امنیت ملی تولید وقتی کارخانجات و مؤسسات تولیدی به ضعف می‌گیرند، ماشین‌ها کهنه می‌گردند، ساختمان کارخانجات ریزش می‌کنند و صاحب کارخانه قادر به ترمیم آنها نیست، زیرا قادر به پرداخت وام و ربح بالای آن نمی‌باشد، زمانی که مؤسسات تولیدی در رقابت با کالاهای خارجی قادر به تولید نیستند، ثروت اجتماعی در ایران فروکش می‌کند، بیکاری گسترش می‌یابد، کارخانجات در پرداخت مزد کارگران طفره می‌روند، در نهایت کارخانجات خود را به کشور دیگر منتقل می‌کنند و فقر بی‌مثالی در کل جامعه سایه شوم خود را پهن می‌کند.

۲- امنیت جغرافیائی کشور: تقویت و تنش‌زائی سازمان‌های تروریستی توسط رژیم جمهوری اسلامی، امنیت جغرافیائی کشور را به خطر می‌افکند.

اولین انعکاس کشورهای امپریالیستی به تنش‌زائی رژیم ایران، تحریم است که مستقیماً باعث کمبود مواد غذایی، گرانی و فقر دائم‌التزاید می‌گردد. ادامه چنین سیاستی می‌تواند به جنگ‌های نیابتی بیانجامد که بلافاصله زندگی میلیون‌ها نفر از زحمتکشان میهن ما را تهدید می‌کند.

کلیه این سیاست‌های اقتصادی مخرب با مقاومت دائمی و ایست ناپذیر طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان و نیروهای مترقی رو به رو می‌شود.

رژیم سعی می‌کند با تزریق خرافات و کج اندیشی در جامعه، طبقات مورد ستم و

یزدی" - ۴- صرف بودجه صد و پنجاه میلیارد تومانی برای بنیاد "شهید جعفرپور". - ۵- صرف بودجه چهار صد میلیارد تومانی برای "شهر مجسمه تندیسان" که وجود واقعی ندارد. ... ۱۴- صرف بودجه ۴۲۳ میلیارد تومان برای هزینه وب سایت علی خامنه‌ای. (داده‌ها از رادیو زمانه) و ده‌ها مؤسسه انگلی و تخریبی - روانی دیگر.

این مؤسسات انگلی با مخارج کمر شکن‌شان که بودجه صنعت، بهداشت و رفاه عمومی را می‌بلعند بسیار پرتعداد هستند.

علاوه بر این مؤسسات انگلی که مشغول مکیدن ثروت اجتماعی کشوراند، دزدی‌ها و اختلاس‌های گسترده، فقر مصیبت‌زائی را بر جامعه تحمیل کرده است.

حشمت‌الله فلاحت‌پیشه، رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس، می‌گوید که «مجموع دزدی‌ها در پرونده‌های بزرگ اختلاس در ایران بیش از ۵۷ میلیارد دلار ارزیابی شده است.

ایشان که خود یکی از دست اندرکاران مهم و اختلاسگران رژیم است با اشاره به این که «ایران با پدیده شوم "مرغان کنه خوار" مواجه است، می‌گوید:

«این مرغ‌ها در جنگل‌های آفریقا بر دوش جانوران بزرگ نشسته و کنه‌های پوستی آن‌ها را می‌خورند. اما به زودی به مکیدن خون زخم‌های آن موجودات عادت می‌کنند.

و از آن پس با نوک‌زنی مداوم، اجازه ترمیم زخم‌ها را نمی‌دهند. مافیاهای نفت، تحریم، قاچاق، قاچاق انسان و اخیراً فیلترینگ، مرغان کنه خوار امروز ایرانند.» (اقتصاد آنلاین ۱۴۰۲)

گردانندگان "کشت و صنعت دبش" با علامت "چای دبش" از سال ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۱ بیش از ۳ میلیارد و ۳۷۰ میلیون دلار اختلاس کرده است.

اختلاس ۱۰۰۰ میلیارد تومانی زمین توسط محمد کاظم صدیقی، امام جمعه تهران. (العربیه فارسی) و...

می‌سازیم ... (از مقاله: روش سوسیال دموکراسی نسبت به جنبش دهقانان - سپتامبر ۱۹۰۵).

اختلاف بزرگ لنین با تروتسکی در آن زمان روسیه بر روی نقش دهقانان بعنوان متحد طبقه کارگر و بسیج و متشکل کردن وسیعترین نیرو بود که نقل قول‌های بالا از لنین گویای این اختلافات هستند. تروتسکی برخلاف لنین تنها با شعار به ظاهر چپ و در محتوی ضد مارکسیستی به نفی نقش دهقانان به عنوان متحد موقت پرولتاریا می‌پرداخت. لنین درباره نظریه تروتسکی نوشت:

«تئوری نو ظهور تروتسکی امر دعوت به مبارزه انقلابی برای تصرف قدرت سیاسی توسط پرولتاریا را از بلشویک‌ها به عاریت گرفته است و انکار نقش دهقانان را از منشویک‌ها» (مقاله: دوانقلاب).

نظریات لنین درباره انقلاب روسیه غالب گردید و از همین رو انقلاب دموکراتیک فوریه ۱۹۱۷ و انقلاب سوسیالیستی اکتبر به پیروزی رسیدند. در حالی که حتی تروتسکی به صحت نظریه لنین اقرار کرد و نوشت:

«اتحاد انقلابی دو طبقه ستم کشیده، نبوغانه توسط لنین پیش‌بینی شده و مدت‌ها پیش از وقت توسط او آماده گردیده بود» (تروتسکی - در دفاع از انقلاب روسیه - ۱۹۳۲)

برخی از تروتسکیست‌های امروزی که گویا حتی اطلاع ضروری از نوشتجات تروتسکی و در ضمن تضادگویی‌ها و دروغ‌گویی‌های اوندارند، هنوز هم مدعی‌اند که لنین، به ضرورت انقلاب سوسیالیستی برای روسیه در آن سال‌ها بی توجه بوده است. نقل قول‌های نسبتاً طولانی بالا از آن جهت آورده شد که پاسخی باشد به آن کسان که گویا جز نگاهی سطحی به برخی نوشتجات تروتسکی، مطالعه آثار لنین را ضروری ندانسته‌اند.

علیرضا بیانی که همچنان زحمت مطالعه آثار لنین را ضروری نمی‌داند و

کارگران معدن نیز در خطر شدید جانی قرار دارند.

نظم کمونیستی خود را در غم از دست دادن این عزیزان شریک میداند و به خانواده این جان باختگان و کلیه کارگران ایران تسلیت می‌گوید. ما کارگران باید خود را جهت سرنگونی نظم سرمایه که عامل همه این جنایات است، متحد کنیم. ما باید نظم سرمایه را واژگون سازیم و سوسیالیسم را که در آن کارگران در بالاترین درجه امنیت کاری قرار دارند، برقرار سازیم.

نظم کمونیستی

۲۲ سپتامبر ۲۰۲۴

مطابق با ۱ مهر ۱۴۰۳

**پیشرفت هر انقلاب پرولتری به سطح آگاهی طبقاتی زنان و گستره شرکت آنان در انقلاب بستگی دارد**

### سلاح زنگ زده تروتسکیستی ۳

نوشته علی رسولی

جنبش جنبه ارتجاعی و ضد پرولتاریائی بخود بگیرد، برای مبارزه بر ضد آن آماده می‌شویم (فوراً و بی درنگ آماده می‌شویم) تمام جان کلام مارکسیسم در این قضیه دو جانبه است و فقط اشخاصی می‌توانند آنرا ساده کرده یا بصورت یک قضیه واحد و بسیط در آورند که مارکسیسم را درک نمی‌کنند...

ما پس از انجام انقلاب دموکراتیک بلافاصله و درست به میزان نیروی خود که نیروی پرولتاریای آگاه و متشکل باشد، انقلاب سوسیالیستی را آغاز خواهیم نمود. ما هوادار انقلاب پی‌در پی هستیم. مادر نیمه راه توقف نخواهیم کرد. اگر ما هم اکنون و بلادرنگ وعده هرگونه "اجتماعی کردن" نمی‌دهیم همانا آنست که از شرایط واقعی این قضیه آگاهیم و آنرا پرده پوشی نمی‌کنیم، بلکه مبارزه طبقاتی جدیدی را که در اعماق توده دهقانی در حال نضج است افشاء

این بیانات از دو مقام مسئولیت‌دار نشان می‌دهد که نجات کارگرانی که پس از انفجار در معدن گیر کرده بودند با مشکلات تراکم گاز متان رو به رو بوده و همه کارگران جان داده‌اند.

امروزه برای ورود به مکان‌هایی که در آن‌ها گازهای خطرناک انباشته شده است، ماسک‌های قابل اطمینان با کیپسول اکسیژن و هوای سالم وجود دارد. از قرار معلوم این شرکت خصوصی معدن برای نجات کارگران گیر کرده در تونل‌های بی سی، این ماسک را یا در اختیار نداشته و یا نخواست است از آن‌ها در نجات کارگران استفاده کند.

این اولین دفعه‌ای نیست که کارگران معدن دچار حادثه مرگبار میشوند: در ۱۳ اردیبهشت ۹۶ در اثر انفجار در معدن زمستانی یورت در آزاد شهر گلستان، ۴۳ کارگر و مهندس معدن جان خود را از دست دادند.

در فروردین ۱۳۸۸ در اثر انفجار در معدن باب نیروز زرنند، ۱۲ کارگر کشته شدند.

در آذرماه ۱۳۹۱ در اثر انفجار در معدن یال شمالی در ۲۵ کیلومتری طبس، ۸ کارگر معدن قربانی شدند.

در ۲۳ آذر ۸۹ در اثر ریزش تونل شماره یک معدن اشکلی هجدک کرمان، ۹ کارگر جان باختند.

از این حوادث جان ستان و جانکاه در رابطه با معادن و کارگران معدن بسیار است.

هدف صاحبان معدن مثل هدف صاحبان کارگاه‌ها و کارخانجات صنعتی (چه دولتی و چه خصوصی) سود است. آنها برای کم کردن مخارج از بسیاری اقدامات ایمنی کارگران شانه خالی میکنند. تونل‌ها را امن نمی‌سازند، برای تهیه کامل هوا از دستگاه‌ها و تکنولوژی بالا استفاده نمی‌کنند و گاهی اصلاً از هیچ دستگاهی برای تهیه هوا استفاده نمی‌کنند.

این صرفه‌جویی در ابزار کار، به قیمت جان کارگران معدن تمام میشود. و تا زمانی که سرمایه بر معدن حاکم است،

## اگر تنها یک بار می‌توانیم زندگی کنیم

«اگر تنها یک بار می‌توانیم زندگی کنیم،  
بگذار رزمنده‌ی جسوری باشیم،  
که تمام جان و روان خود را  
ایثار می‌کند

بگذار در کنار انسان‌هایی بایستیم،  
که به اندیشه‌ها و آرمان‌هایشان  
عشق می‌ورزیم

بگذار فرزندان مان،  
چون داستان زندگی ما را  
آغاز به شنیدن می‌کنند  
به وجد و سرور آیند  
و فرجامش را  
اما،

به چشمان پوینده  
و جوینده آنها بسپاریم

جهان و نظام حاکم بر آن،  
هموردی بس قدرتمند است  
ولی من نیز  
باتمام توان  
به نبرد با آن برخاسته‌ام

نبردی بس دشوار  
و طاقت فرسا  
که وسوسه‌ی تسلیم  
بر آن راه ندارد»

### جولیان آسانژ



داشته است، عامداً یا سهواً عملی انتزاعی را پیش گرفته است. انضمام یک نوشته یا مقاله نیز زمانی ضرورت پیدا می‌کند که یا جنبه‌ی تکمیلی داشته باشد و یا توضیحی است که چون به عللی از جمله احتراز از طولانی شدن، در نوشته مورد بحث گنجانیده نشده است، و در نتیجه ضمیمه می‌شود که درباره‌ی هیچ یک از نقل قول‌های ذکر شده چنین ضرورتی وجود نداشته است، زیرا تمامی نقل قول‌ها همراه با عنوان مقاله، منبع و تاریخ و در نتیجه گویا بوده‌اند. آیا بهتر نبود که جناب بیانی به جای یک جمله پردازی بی ارتباط برای توجیه تروتسکی، حتی اگر برای نمونه هم شده باشد نشان می‌داد که در کدام مورد و چگونه آن "انتزاعی" ادعائی روی داده است و یا در چه موردی ذکر یک یا چند انضمام ضرورت داشته است؟! می‌دانیم که چون چنین نمونه‌ای وجود ندارد، لذا منتقد نا آشنا به نوشتجات لنین و بیزار از لنین و لنینیسم، به آن شیوه نابخردانه توسل جسته است.

ادامه دارد

پرولتاریا برای ویران نمودن نظام سرمایه‌داری و برپائی سوسیالیسم به حزب، آگاهی توده‌ها از سوسیالیسم و جبهه متحد احتیاج دارد.

ما کمونیست‌ها موظف هستیم در تلاش جهت پیوند با توده‌های کارگر و زحمتکش، ایجاد حزب راستین کمونیست ایران را به عنوان وظیفه‌ای مرکزی محکم در دست بگیریم.

خرده بورژوازی با مشغول کردن خود به مسائل جانبی از زیر بار این مسئولیت شانه خالی میکند.

نمی‌خواهد از چار چوب تکرار این یا آن نقل قول ساختگی تروتسکی فراتر رود، در انتقاد به مقاله "مناسبات لنین و تروتسکی" مدعی می‌شود که "غیرانضمامی" و "نگاه انتزاعی" است. این دانش پژوه!! واژه‌های سیاسی بدون اینکه از معنای انضمامی و انتزاعی در یک مقاله آگاهی داشته باشد تصور می‌کند با توسل به دو کلمه‌ی نامربوط، جان کلام را ادا کرده و در نتیجه پاسخگوئی مناسب را انجام داده است. این آقا باید بداند که انضمام در زبان فارسی به معنای پیوستن چیزی به چیز دیگر و ضمیمه کردن می‌باشد و معنای انتزاعی عبارتست از جدا سازی از موضوع و گسستن از موضوع مربوطه. هرگاه نقل قول‌های آورده شده از لنین این چنینی بوده‌اند، وظیفه این است که نمونه‌هایی نشان داده شوند و نه آنکه با یک کلی گویی بی‌ربط، فرار از پاسخگوئی را برگزیند. تمامی نقل قول‌های ذکر شده از لنین همراه با ذکر مأخذ، عنوان مقاله و تاریخ نگارش می‌باشند. این بدان معناست که خواننده به راحتی می‌تواند به منبع نقل قول مراجعه کرده، صحت و سقم و موضوع مورد مشاجره را بررسی کند. با یک مثال، روشن‌تر کنیم که انتزاع چگونه عملی است. در بالا نقل قولی نسبتاً طولانی از لنین درباره انقلاب روسیه و نقش دهقانان آورده شد. در آن مقاله و نقل قول، سخن ازدیکتاتوری انقلابی دموکراتیک پرولتاریا و دهقانان رفته است. هرگاه شخصی این جمله را از ارتباط مشخص و پیوسته با مضمون و مورد مقاله و مشاجره جدا کرده و مدعی شود که لنین همواره و در کلیه مراحل تاریخی برای روسیه و یا تمامی کشورهای مشابه آن‌چنان رهنمودی را

## پرولتاریای جهان متحد شوید

در سمت ایجاد شوراهای کارگران و تهیدستان!  
پیروز باد دیکتاتوری پرولتاریا  
پیروز با دولت شورائی کارگران و تهیدستان

در سمت پیوند با طبقه کارگر بکوشیم!  
حزب کمونیست راستین ایران را به وجود آوریم!  
تروتسکیسم را از صفوف خود طرد کنیم!

کارگران، زحمتکشان و آزادیخواهان مترقی متحد شوید!